



نگاهی به مطبوعات



Arthur Brizbane

آرتور بریزبان نویسنده معروف
و طراز اول امریکائی در مسائل
اخلاقی و اجتماعی نکات و
دقایق بسیاری را با ابتکار و
قریحه مخصوص پرشته تحریر
در آورده و بعضی از مقالات
وی توسط آقای یوسف اعتصامی
استاد معظم نثر فارسی و مترجم
عالی مقام رشته ادبی ترجمه
گردیده است .

آرتور بریزبان نویسنده ،
آزمستر ویلیام هریت مدیر
چراند معتبر نیویورک سالی
چهل هزار دلار میگرفته
که برای یکی از جراید روزانه
سر مقاله بنویسد ، مترجم نیز
خود یکی از مفاخر مشاهیر
نویسندگان ایران ، دارای آثار
پر زنده و تالیفات ارزنده
است ، در زبان ترکی اسلامبولی
نویسنده ای دانادر فرانسه
مترجمی توانا و در سان و
ادبیات عرب حتی در مصر و
عراق و شام معاصر محیط
و بی همتا شناخته شده است .
ما در این شماره نیز
سه نمونه از آثار ایشان را نقل
و بحوانندگان گرامی عرضه
میداریم .

در اینجا و در همه جا

ما آمریکائیا و همه مردم در تحصیل پول باندازه ای اهتمام داریم که نمی دانیم برای چه این کار را می کنیم ثروت و تمول موضوع خواب شب و معنی بیداری روزها است، متصل فکر می نمایم چه حیلۀ بکار ببریم که دولارهای آمریکایی لاینقطع بکیسه ما ریخته بشود، پول را بجهت حفظ موازنه ایام آتی همان دوست می داریم و می گوئیم ناچار باید همینطور باشیم.

برای تسهیل امر معاش و تأمین مستقبل ذخیره اوقات پیری و درماندگی تهیه وسایل تنعم و تعیین در پیدا کردن پول خود کشی می کنند حالت زن خانوادۀ و متعلقین را ملاحظه می نمایند متعاقب این می بینند باید برای دخترها جهیزیه

ترتیب بدهند و پسرها را بمدرسه بفرستند هر قدر پیشتر می‌روند ترس و نشویق و تکلفات زیادتر می‌شود، آمریکای حریص که دنبال ثروت می‌دود و در صد و نود و نه خائف و خاسر برمیگردد، بر آمریکای ملامتی نیست کاری می‌کند که سایر مردم می‌کنند، می‌خواهد از روزگار آینده خودش مطمئن باشد می‌خواهد جلو شداید فقر و فاقه را بگیرد اما حال اشخاصی که از متمولین درجه اول شمرده می‌شوند چگونه است؟ برای چه مال را دوست می‌دارند چیزی را که نمی‌بینند چرا عاشق آن شده‌اند؟

مثلاً رو کفلر بقدریکه قابل مذاکره باشد نه پولی می‌بیند و نه تنخواهی در جیب‌دارد برعکس در اداره این روزنامه از اجزاء و عمال کسانی هستند که اجرت هفتگی و ماهانه آنها بیشتر از مبلغی است که رو کفلر در عرض یکسال شخصاً حاصل آن می‌شود وقتی که رو کفلر می‌خواهد بجائی برود و کیل امورات وی بلیت مسافرتش را می‌گیرد محاسب مخارج منزلش را حواله می‌کند، هر کدام از مأمورین بتکالیف خویش می‌پردازند رو کفلر نه از قیمت بلیت خبر دارد نه بمستخدمین دستورالعمل می‌دهد کاری که دارد این است، هر روز چندین ورقه مخصوص را امضاء کرده میلیونهای خویش را از این بانک بآنک دیگر حواله می‌نماید بعبارت آخری خروارها طلا و نقره را از جیب یکنفر بیرون آورده بجیب يك نفر دیگر می‌ریزد.

این است رفتار رو کفلر با هزار و پانصد میلیون دلار (سه هزار کرور تومان) که مالک آن است گاهی با اتفاق يك مبلغ جزئی بزمزه محسنین داخل شده در جراید عالم اخبار جود و سخای، خود را می‌خواند از ۳۲ میلیون دلار (۶۴ کرور تومان) که در این روزها باعمال خیریه داده يك دلار آن را رویت نکرده است

کسانیکه عکسهای خوب مؤلفات نادره جمع کرده آلبومهای پاکیزه می‌سازند مقصودشان معلوم است حاصل زحمت خود رامیبینند و تماشا می‌کنند اما اگر درست تأمل نمائی از کار کسی که میلیونها پول را بفلان صراف یا فلان بانک می‌سپارد متعجب می‌شوی این آدم نه پولهای خودش را می‌بند نه از وجود آن حظ می‌برد این پولها در زمین باشند یا در کره مریخ چه تفاوت خواهد داشت ؟

مردم برای چه پول را محبوب و معشوق خود قرار داده‌اند برای اینکه در اینجا و در همه جا مصدر يك قوت قادره و موجودشان و شرف عارضی است ، ثروت اساس تصورات موهومه است .

انسان از آسایشها و خیرات عالم چیز جزئی درك می‌کند لیکن بواسطه پولی که بمردم سپرده است خیال می‌نماید هر چه بخواهد برایش آماده است اگر همه اهالی نیویورک بخواهند اموال خودشان را از بانکهای توفیر و اقتصاد استرداد نمایند بانکها و موسسات مالیه با آن اعتبارات غیر محدود از ادای قروض عاجز می‌شوند تمام پولهای عالم بجهت مطالبات سکنه شهر نیویورک کافی نیست مردم يك دولارتها را هم ببانك می‌دهند بحساب آنها در دفتر بانك ثبت شده و فی الفور بمصرف رسیده بدیگری منتقل می‌گردد همین شخص مراجعت نموده آن را ببانك سپرده باسم خودش سند می‌گیرد در این معامله يك یا دو و تسلسل سریع و دوران حیرت‌انگیز در کار است . دانستیم که این مبالغ گزاف عبارت از نقود خیالی است حواله‌های صرافی واسطه سهولت این معاملات عمده است که وجود خارجی ندارد .

این راهم بگوئیم که جمع کردن ثروت باز یچه مفیدی است که بر ترقی و تقدم دلالت دارد هر کسیکه در کاری سعی می‌کند فایده‌ای از آن ظاهر می‌شود کسیکه

عامل عملی است به نسبت مکان و اقتضای زمان نافع خواهد بود .

کشتزار از آب، گوسفنداز خوردن برگ بهاری، عشق از اشک چشم، رو کفلر
 * از اندوختن دلار سیر نمیشوند .

این معانی را ویرژیل در قصیده خودش گفته است جمله آخری را نویسنده

این مقاله در سال ۱۹۰۷ بجهت اتمام مقصود و تطبیق با اوضاع عصر بآن الحاق
 کرده است .



چهار چیز را بیش از چهار چیز غنیمت شمار
 جوانی پیش‌گیری صحت پیش‌از بیماری و توانگری
 از فقر و زندگی پیش‌از مرگه.

نهج الفصاحه